



ناگهان يك ستاره درخشان از پشت قوس ماه در مانتو برون آمد و درخشید! کودکی که به قوس ماه بالای سرش نگاه می کرد، فریاد زد: مامان! اوناهاش! ازهره در اومد! و این دفعه همه باهم داد زدند: «کوکرم! کوکرم! کوکرم!» و باز هم خندیدیم... احساس کاهتان و منجمان معابد بابل را داشتیم که به خاطر تسلط شان به دانش نجوم نزد مردم با ساحران یکی پنداشته می شدند!

جادوگری نجومی چه اتفاقی می افتد و سیاره زهره چطور از پشت ماه بیرون می آید. حالا نزدیک غروب بود و گرگ و میش شامگاهی اجازه می داد خروج زهره از پس ماه را با چشم غیرمسلح هم ببینند.

با شناختی که از ماه داشتم می‌دانستم زهره دقیقاً کدام قسمت هلال ماه بیرون خواهد آمد. با تنظیم دستی، موقعیتی از هلال را که زهره نمایان می‌شد را در مرکز تصویر قرار دادم. محمد جواد تصویر را فوکوس کرد و همه دیدند که یک باره چقدر قرص ماه در پشت مانیپور واضح و زیبا شد. از خوشحالی یک دفعه همه دم گرفتند و فریاد زدند: «ترابی! ترابی! ترابی!...» و همه خندیدیم. حالا قرار بود تا یک دقیقه دیگر شاهد ظهور دوباره زهره از پس قرص ماه باشیم. یک بار دیگر موقعیت هلال در پشت تلسکوپ را چک کردم، همه چیز درست بود. به محمد جواد گفتم فوکوس را دوباره کنترل کند و چند ثانیه بعد که دیدم نزدیک پایان اختلافیم شمارش معکوس را شروع کردم: هفت، شش، پنج، چهار، سه، دو، یک و بعد دیدیم ناگهان یک ستاره درخشان از پشت قرص ماه در مانیپور بیرون آمد و درخشید! کودکی که به قرص ماه بالای سرش نگاه می‌کرد، فریاد زد: مامان اوناهاش! زهره در اومد! این دفعه همه با هم داد زدند: «کوکرم! کوکرم! کوکرم!» و باز هم خندیدیم... احساس کاهنان و منجمان معابد بابل را داشتم که به خاطر تسلطشان به دانش نجوم نزد مردم با ساحران یکی پنداشته می‌شدند! کارمان بالاخره پیش رفته بود، اما در شرایطی غیراستاندارد در میان مردم با سختی‌ها و البته لذتی خاص. به سرعت وسایل را جمع کردیم و فیلم خام را برای ادیت و بررسی پیش از پخش به شبکه رساندیم. وقتی به خانه رسیدیم شنیدیم در قم زلزله آمده و بین مردم شایع شده امشب ستاره درخشانی کنار ماه دیده می‌شده و احتمالاً علت زلزله همان بوده است! طبق معمول ادعایی بی‌اساس بود. آن شب وقتی تصاویر اختلافی دو سه ساعت قبل از آنتن شبکه چهار و برنامه آسمان شب پخش می‌شد و برای مردم توضیح دادیم که ابداً رخ‌دادن این پدیده نجومی ارتباطی با بروز زمین‌لرزه ندارد، خوشحال بودم کاری را انجام می‌دهیم که در مسیر آگاهی بخشی برای مردم است.

به نظرتان تهیه چنین گزارشی از يك روزنامه نگار عادی ساخته است؟ هنوز هم فکر می کنید کار در سرویس علمی يك روزنامه ساده تر از بقیه بخش هاست؟!

کودکان بود. اما جمعیت زیادی آنجا بود و تاشروغ
اختلاف نیم ساعت بیشتر فرصت نداشتیم! چاره‌ای
نداشتیم... دل را زدیم به دریا و با بانوهای از تجهیزات و
دوربین و تلسکوپ گران قیمت در گوشه‌ای از زمین
بازی مستقر شدیم. از اینجا به بعدش را می‌توانید
حس برزنید... مردم علاقه‌مند، از پیر و جوان و کودک
و زن و مرد دورمان حلقه زدند. مدام می‌پرسیدند که
چه کاری می‌کنید؟ این وسیله اسمش چیست؟ قیمتش
چقدر است؟ حالا چرا می‌خواهید از ماه تصویربرداری
کنید؟ مهم‌هههه! برای تلویزیون؟! امشب پخش میشه؟
ساعت چند...؟! اسياوش با حوصله پاسخ می‌داد، اما
این ازدحام به شدت انرژی‌ریز بود.

تصویربرداری از رویدادی نادر که قرار بود در نهایت آرامش و تمرکز انجام شود و جدول پخش برنامه آسمان شب آن شب هم وابسته به آن بود که در چنین فضایی قرار بود ضبط شود! تلسکوپ را به سرعت تنظیم کردم. محمد جواد پشت لپ تاپ بود. مدام با هم وضعیت تصویر و موقعیتی که قرار بود زهره در پشت قرص ماه پنهان شود را با هم چک می کردیم. مردم هم با چشمانی گرد شده از تعجب، زهره را که در مانیتور لپ تاپ همچون سیاره ای درخشان و چسبیده به ماه دیده می شد را تماشا و سعی می کردند کمتر سؤال کنند. کله هایشان را چسبانده بودند به هم و از پشت مانیتور لپ تاپ می دیدند، جرم درخشانی که کوکرم و ترابی می گویند سیاره زهره است ثانیه به ثانیه به ماه نزدیک تر می شود. اما در آسمان روشن عصرگاهی با چشم غیر مسلح چیزی دیده نمی شد و هلال ماه شب چهارم جمادی الثانی مثل همیشه بود.

بالاخره حدود ساعت ۱۹ و ۱۵ دقیقه بود که دیدیم قرص زهره در پشت ماه پنهان شد و نفس راحتی کشیدیم. جمعیتی که دیدند گویا کارمان خوب انجام شده از خوشحالی برایمان دست زدند. دوسه نفر هم برایمان آب و چای و میوه آوردند؛ ما را به چشم دانشمندانی می‌دیدند که لابد چیزهای زیادی از اعماق آسمان می‌دانند؛ برایشان توضیح دادیم يك ساعتی وقت داریم و حالا می‌توانند هر سؤالی دارند بپرسند. ۵۰ دقیقه‌ای به گپ زدن با علاقه‌مندان گذشت. حدود ساعت ۲ و ۱۰ دقیقه پشت تلسکوپ برگشتیم تا پایان اختلاف در ساعت ۲ و ۲۰ دقیقه را هم بتوانیم از پشت تلسکوپ تصویربرداری کنیم. این بار جمعیت غرق در سکوت بود. همه می‌خواستند ببینند پایان این



روایت شخصی از یک تجربه هیجان انگیز روزنامه نگاری علم

اختفای ماه و زهره در میان جمعیت ۲۰۰ نفره!

یادش بخیر... چند سال پیش عزیزآقای شاه‌محمدی، سردبیر مادر روزنامه جام جم بود. آن وقت گاهی با صدای بلند، طوری که همکاران سرویس‌های همسایه‌مان در تحریریه هم بشنوند به شوخی می‌گفت: «خوش به حال کوکرم... کاش من دبیر سرویس علمی بودم! نه جناح راست و چپی دارند، نه چیزی می‌نویسند که به کسی یا سازمانی بربخورد... یک روز از فضا می‌نویسه، یک روز از ته دریا، یک روز از ژنتیک! موضوعاتشون هم رنگ و بوی سیاست نداره و کنج‌کاو و برانگیزه، آدم خوشش میاد صفحه‌ها اینا رو بخوانه... ای خدا، کاش جای کوکرم بودم!»

نام کوکرم
گروه دانش
نام جم

بعد سری تکان می‌داد و چشمکی می‌زد و می‌رفت سمت بالکن. من هم معمولاً می‌خندیدم و به شوخی در جواب می‌گفتم: «شما لطف دارید! ولی بیا باید تست کنید تا ببینید این جوری‌ها هم نیست!» خدا عزیزاً را هر جا هست حفظ کند. برای من قابل تصور است که بیشتر مردم و حتی همکاران ما در مطبوعات با همان استدلال‌هایی که ایشان مطرح می‌کرد، تصورشان این است که سرویس علمی راحت‌ترین سرویس برای کار کردن در روزنامه است! جنس سختی کار روزنامه‌نگاران علمی در رسانه‌ها متفاوت از دیگر همقطاران‌شان است. تنوع سوژه‌ها و ظرافت‌هایی که برای انتخاب پوشش دادن هر خبر علمی باید در نظر بگیرید، لزوم توجه به بایدها و نبایدهای رایج در رشته‌های مختلف علمی و این که به عنوان یک ژورنالیست علمی باید اطلاعات پایه‌ای نسبت به حوزه‌های گوناگون علمی داشته باشید تا بتوانید زبان مشترک برای گفت‌وگو با یک متخصص برجسته در رشته‌ای خاص را پیدا کنید. اگر این دانش وسیع و مهارت را نداشته باشید نمی‌توانید اعتماد آن متخصص را برای مصاحبه‌ای مربوط به تخصص‌اش جلب کنید. همین مسأله باعث می‌شود به عنوان یک خبرنگار همواره در حال مطالعه و آموختن باشید.

کنیم و همین امشب در برنامه زنده پخشش کنیم؟!» حساب سرانگشتی کردم و دیدم اگر بجنبیم فرصت می‌کنیم؛ گفتم: «فقط کافی است تلسکوپ و دوربین و لپ‌تاپ را هماهنگ کنیم. شما هم با آقای صفاریان پور و تیم تصویربرداری هماهنگ شوید.» بعد پرسیدم: «برای رصد کجا برویم که یک ساعته برسیم و تا قبل از ساعت ۷ عصر وسایل را مستقر کنیم؟» محمدجواد هم فکری کرد و گفت: «پارک جنگلی کوهسار در غرب تهران معمولاً خلوت است و فضای وسیعی دارد. می‌رویم یک جایی در گوشه‌ای پیدا می‌کنیم و مشغول رصد و تصویربرداری می‌شویم.» همین کار را کردیم. دو ساعت بعد حدود ساعت ۱۷ با سیاهوش صفاریان پور و تیم تصویربرداری و محمدجواد ترابی در خیابان طالقانی قرار گذاشتیم و همراه با تلسکوپ و دیگر وسایل از آنجا به اتفاق اعزام پارک کوهسار شدیم. وقتی وارد پارک شدیم خلوت بود و به پیش رفتیم، اما دیدیم هر چه می‌رویم محوطه مسطحی پیش رویمان نیست و از طرفی جمعیت هم بیشتر می‌شود. یادمان رفته بود روز تعطیل است و پارک شلوغ! حدود ساعت ۱۸ و ۳۰ دقیقه واقعیت تلخ پیش رویمان بود: تنها قسمت مسطح و مناسب پارک کوهسار، زمین بازی

برخلاف تصور بیشتر مردم، گاهی تهیه گزارش از یک رویداد علمی یا پی‌گوندگی روایت آن می‌تواند بسیار پیچیده و چالش برانگیز باشد. بگذارید خاطره‌ای از تهیه تصاویر مستند برای یک گزارش تلویزیونی پرچالش برایتان تعریف کنم. درست ۱۳ سال پیش در همین روزها، شهادت حضرت فاطمه (س) مقارن با دوشنبه ۲۸ خرداد ۱۳۸۶ شده بود. از قضا قرار بود عصر آن روز از حدود ساعت ۱۹ قرص ماه از دید مادر زمین از جلوی سیاره زهره عبور و برای ساعتی این سیاره درخشان را در پشت خودش پنهان کند. به این پدیده نسبتاً نادر در علم نجوم «اختفای ماه و زهره» گفته می‌شود که معمولاً هر چند سال یکبار رخ می‌دهد. آن زمان من و محمد جواد ترابی، دوست قدیمی و همکاران روزنامه‌نگار درجه یک، تازه همکاری‌مان را با برنامه تلویزیونی آسمان شب که به کارگردانی سیاوش صفاریان پور از شبکه ۴ سیما پخش می‌شد آغاز کرده بودیم. آن زمان برنامه آسمان شب هر هفته دوشنبه شب‌ها پخش می‌شد. حدود ساعت ۳ عصر آن روز تعطیل بود که محمد جواد تلفن کرد و گفت: «کاظم نظرت چیست امروز برویم اختفای ماه و زهره را از پشت تلسکوپ مستندسازی و تصویربرداری

چالش مصاحبه با دانشگران

یکی از چالش‌برانگیزترین بخش‌های ژورنالیسم علم زمانی است که شما به عنوان ژورنالیست می‌خواهید با محقق گفت‌وگو کنید که برخلاف اغلب چهره‌های سینما و ورزش، نه علاقه‌ای به صرف وقت برای مصاحبه با رسانه‌ها دارد و نه معمولاً زبان ارتباط با رسانه را بلد است. مصاحبه‌شونده شما در بیشتر مواقع پژوهشگری است که عمرش را صرف کار تخصصی‌اش کرده و آن قدر عمق مباحث علمی مورد اشاره‌اش در ضمن مصاحبه برایش روشن و بدیهی است که ممکن است یادش برود شما یک روزنامه‌نگار علم هستید که علی‌القاعده با کلیاتی از کار تحقیقاتی‌اش آشناییید. شما اگر قرار نباشد در مورد چند و چون جزئیات کارش پرسشگری کنید و کیفیت کارش را به چالش بکشید، در اولیه‌ترین مرحله قرار است گزارشی به زبان ساده از اهمیت و کیفیت کارهای پژوهشی او به مخاطبان‌تان بدهید؛ مخاطبانی که بسیاری از آنها دانشگاه نرفته‌اند، اما مثلاً دوست دارند بدانند چرا ۱۸ ماه زمان می‌برد تا واکسن کووید-۱۹ تولید شود، آن هم وقتی دنیای غرب این بیماری می‌سوزد. یا به عنوان شهروند حق دارند بدانند چرا بخشی از بودجه عمومی کشور صرف پرتاب ماهواره‌های چند میلیون دلاری شده است که بیشتر آنها عمر مفید دوسه ماهه داشته‌اند، یا حتی مهندسان اصلاتوانسته‌اند در مدار قرارشان دهند. جز یک روزنامه‌نگار علم که مسلط به فرآیند تولید علم و ریزه‌کاری‌های پروژه‌های علمی باشد و زبان رسانه و ارتباط با مردم به صورت اصولی را هم بلدانند، چه کسی می‌تواند در این مسیر پیچیده قدم بردارد؟